

شماره کارت: ۸۵۷۰

ترجمه و برداشتی

از

قرآن مجید

جزوه چهارم

ترجمه و برداشت از: استاد سید حسن ابطاحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آیات ۴۵-۴۶ از سوره کهف

وَأَضْرَبُ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ
فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ
اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵) الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (۴۶)

ترجمه آیات ۴۵-۴۶

و مثل زندگی دنیا را مانند آبی که آن را از آسمان نازل کردیم برای مردم بزن که بوسیله آن گیاههای زمین با هم مخلوط می شوند، اما پس از زمانی خاشاکی می شوند که بادهای آن را به هر طرف پراکنده می نمایند و خدا بر همه چیز مقتدر است. (۴۵)
مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند و ارزشهای ماندنی در نزد پرورگارت از جهت ثواب بهتر است و امیدواریش بیشتر است. (۴۶)

برداشت از آیات ۴۵-۴۶ (زندگی دنیا)

سالک الی الله باید بداند که زندگی دنیا بسیار بی ارزش است و مال و فرزندان اگر صالح باشند، سبب شیرینی زندگی دنیا است. ولی اگر کسی بتواند کار پرارزشی در دنیا برای خود باقی بگذارد، ارزشش بهتر و شیرینی اش لذت بخش تر و بقائش بیشتر خواهد بود.

آیات ۵۴-۵۵ از سوره کهف

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ

شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴) وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا

رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵)

ترجمه آیات ۵۴-۵۵

و قطعاً در این قرآن برای مردم از هر مثلی زده‌ایم ولی انسان بیشتر از هر چیزی به مجادله بر نمی‌خیزد. (۵۴)

و چیزی مردم را مانع نشد از اینکه ایمان بیاورند زمانی که هدایت برای آنها آمد و چیزی مانع آنها نگردد از اینکه از پروردگارشان طلب بخشش کنند، مگر اینکه سنت پیشینیان در موردشان اجرا شود یا عذاب در مقابلشان قرار گیرد. (۵۵)

برداشت از آیات ۵۴-۵۵ (مجادله)

سالک الی الله باید کوشش کند که در موضوعاتی که خدای تعالی در قرآن با توضیحات و مثلها بیان فرموده مجادله نکند و هر چه بیشتر آنها را بپذیرد و از هدایت الهی استقبال کند و از خدای تعالی طلب بخشش نماید نیکوتر است و الا خدای تعالی در دنیا و آخرت او را عذاب خواهد کرد.

آیات ۵۶-۵۹ از سوره کهف

وَمَا نُزِّلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أَنْذَرُوا هُزُؤًا (۵۶)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ تَدْعُهُمْ

إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷) وَ رَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ

بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸)

وَ تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (۵۹)

ترجمه آیات ۵۶-۵۹

و ما نفرستادیم پیامبران را مگر به عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده. ولی کافرین به باطل مجادله می‌کنند تا حق را بوسیله این مجادله از بین ببرند و آیات مرا و آنچه را که از آن ترسانیده شده‌اند به مسخره گرفتند. (۵۶)

و چه کسی ظالمتر از کسی است که آیات پروردگارش به او تذکر داده می‌شود پس از آن رو برمی‌گرداند و آنچه را که پیش فرستاده فراموش می‌کند؟ ما بر دل‌های اینها پرده‌هایی انداخته‌ایم تا آن را نفهمند و در گوشه‌های آنها سنگینی قرار دادیم و اگر آنها را به طرف هدایت دعوت کنی، پس هرگز در این وقت هیچگاه هدایت نمی‌شوند. (۵۷)

و پروردگار تو بخشنده صاحب رحمت است. اگر آنها را به آنچه کرده‌اند مؤاخذه کند، حتماً عذاب را برای آنها زودتر خواهد فرستاد ولی برای آنها موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند یافت. (۵۸) و آن شهرهایی بوده است که ما وقتی که ظلم کرده‌اند، هلاکشان کرده‌ایم و برای هلاکشان موعدی قرار داده‌ایم. (۵۹)

برداشت از آیات ۵۶-۵۹ (کلمات معصومین)

سالک الی الله باید جدال و بحث‌های بی‌فایده را بخصوص در مقابل انبیاء و معصومین علیهم‌السلام کنار بگذارد و آیات الهی را به مسخره نگیرد و بداند که اگر کسی آیات پروردگار را سبک بشمارد، آنچنان توفیقاتش کم می‌شود که به هیچ وجه هدایت نخواهد شد. ولی پروردگار در عین حال مهربان است. اگر این مهربانی را نمی‌داشت، همه مردم مورد عذاب واقع می‌شدند، آنچنان که بعضی از گذشتگان که ظلم را به نهایت رسانده بودند هلاک شدند.

آیات ۶۰-۸۲ از سوره کهف

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتِيهِ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ

حُقُبًا (۶۰) فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ

سَرَبًا (۶۱) فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتِيهِ أَتِنَا غَدَاتِنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا

نَصَبًا ٦٠ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا

أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ٦١ قَالَ

ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَأَرْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ٦٢ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا

اتَّبَعَهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ٦٣ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ

اتَّبَعَكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رَسُولًا ٦٤ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ

صَبْرًا ٦٥ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ٦٦ قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ

شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ٦٧ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ

شَيْءٍ حَتَّى أَخْبِرَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ٦٨ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ

خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ٦٩ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ٧٠ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي

مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ٧١ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا

زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ٧٢ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ

مَعِيَ صَبْرًا ٧٣ قَالَ إِنْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ

مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ٧٤ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ أَشْطَعَمَا

أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ

فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (٧٧) قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي

وَبَيْنِكَ سَأَنْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (٧٨) أَمَّا

السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا

وَكَانَ وِرَآئَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (٧٩) وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ

أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (٨٠) فَأَرَدْنَا أَنْ

يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (٨١) وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ

لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا

صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ

رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (٨٢)

ترجمه آیات ٦٠-٨٢

و زمانی که موسی به دوست جوان خود گفت: از رفتن باز نخواهم ایستاد تا به مجمع البحرین برسم یا مدّت زیادی راه بروم. (٦٠)

پس وقتی که به مجمع البحرین رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند و ماهی راه خود را سرازیر در دریا پیش گرفت و رفت. (٦١)

پس زمانی که از مجمع البحرین گذشتند، موسی به دوست جوانش گفت: غذای ما را بیاور که قطعاً ما از این سفرمان، سخت خستگی را احساس می‌کنیم. (٦٢)

دوست جوانش گفت: دیدی چه شد؟ وقتی که ما در کنار آن صخره استراحت کرده بودیم، پس من ماهی را فراموش کردم و جز شیطان این فراموشی را که من به یاد او باشم، بر من مستولی نکرده و او راه

خود را در دریا با کمال تعجب گرفت و رفت. (۶۳)

موسی گفت: آن همان چیزی بود که ما می خواستیم. پس از همان راهی که رفته بودند، برگشتند در حالی که به تحقیق خود ادامه می دادند. (۶۴)

پس (در آنجا) بنده ای از بندگان ما را، که ما رحمتی از طرف خودمان به او داده بودیم و علمی از ناحیه خودمان به او آموخته بودیم، پیدا کردند. (۶۵)

موسی به او گفت: آیا ممکن است من از تو پیروی کنم تا آنکه از آنچه می دانی که مایه رشد است، به من تعلیم دهی؟ (۶۶)

گفت: قطعاً تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی. (۶۷)

و چگونه می توانی صبر کنی بر چیزی که از آن اطلاع کاملی نداری؟ (۶۸)

موسی گفت: انشاء الله خواهی دید که من صبر می کنم و هیچ دستور تو را مخالفت نمی کنم. (۶۹)
خضر گفت: پس اگر مایلی پیروی مرا بکنی، پس از هیچ چیز از من سؤال نکن تا اینکه خودم برای تو آن را یادآوری کنم. (۷۰)

پس آن دو نفر براه افتادند تا وقتی که سوار کشتی شدند. خضر کشتی را سوراخ کرد. موسی گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی برای اینکه مسافری آن را غرق کنی؟ قطعاً کار تعجب آوری را انجام دادی. (۷۱)
گفت: آیا من نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟ (۷۲)

موسی گفت: مرا به آنچه که فراموش کردم، مؤاخذه نکن و به خاطر این کارم بر من سخت نگیر. (۷۳)
پس براه افتادند، تا آنکه نوجوانی را دیدند. پس خضر او را کشت. موسی گفت: آیا کشتی شخص بی گناهی را بدون آنکه او کسی را بکشد؟ قطعاً کار منکری انجام داده ای. (۷۴)

خضر گفت: آیا من به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟ (۷۵)
موسی گفت: اگر بعد از این، من از چیزی از تو سؤال کردم، پس با من رفاقت نکن. چون از ناحیه من، تو معذور خواهی بود. (۷۶)

پس باز راه افتادند، تا آنجا که به اهل قریه ای رسیدند. آنها از اهل آن قریه غذا خواستند. پس اهل قریه ابا کردند از اینکه آنها را مهمانی کنند. در این حال دیواری را در آن قریه یافتند که می خواست خراب شود، پس آن دیوار را سرپا کردند. موسی گفت: مگر می خواستی بر این کار مزدی بگیری؟ (۷۷)
خضر گفت: این جدایی بین من و تو است، به زودی تأویل آنچه را که نتوانستی بر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم. (۷۸)

اما کشتی؛ پس مال مساکینی بود که با آن در دریا کار می کردند و من تصمیم گرفتم که معیوبش کنم، زیرا پشت سر آنها پادشاهی بود که غاصبانه هر کشتی را می گرفت. (۷۹)

و اما آن جوانک؛ پس پدر و مادر او مؤمن بودند، پس ما ترسیدیم که آنها را به سوی تجاوزگری و کفر بکشاند. (۸۰)

و ما اراده کردیم اینکه پروردگار آنها بجای این پسر، بهتر و پاکتر و مهربانتر به آنها بدهد. (۸۱)

و اما آن دیوار؛ پس مال دونوجوان یتیمی در آن شهر بود و زیر این دیوار گنجی برای آنها بود و پدر و مادر آنها صالح بودند. پس پروردگارت اراده کرد که اینها به حد بلوغشان برسند و خودشان گنجشان را خارج کنند. این رحمتی از جانب پروردگارت بود و من این کارها را از پیش خود نکردم. بین تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی، می باشد. (۸۲)

برداشت از آیات ۶۰ - ۸۲ (قصه حضرت موسی و خضر)

- سالک الی الله باید از قصه حضرت موسی و خضر علیه السلام برداشتهای زیر را داشته باشد:
- ۱- باید اول در پی تحقیق از استاد و کسی که او را به رشد و کمال برساند، آن قدر حرکت کند تا خسته شود. این به خاطر آن است که بعدها قدر این زحمتش را بداند و استاد را به آسانی از دست ندهد.
 - ۲- نشانه‌ای به هر وسیله که ممکن است از جانب خدای تعالی برای حقانیت استاد بجوید تا مطمئن شود.
 - ۳- باید در مقابل استادش چون و چرا نداشته باشد و هر چه او می‌کند و یا به او دستور می‌دهد عملی نماید.
 - ۴- اگر روی عادت و یا به خاطر تعلیمات گذشته ایرادی به استاد گرفت، فوراً عذرخواهی کند.
 - ۵- زیاد اشتباه نکند تا بخواهد زیاد عذرخواهی کند که فرموده‌اند مؤمن گناه نمی‌کند تا بخواهد عذرخواهی کند.
 - ۶- سالک الی الله باید از اعمال و رفتار و گفتار استادش درس بگیرد و خود را مانند او و طبق دستور او بسازد و تربیت کند.
 - ۷- سالک الی الله باید خیرخواه صالحین و مؤمنین باشد و نگذارد اموال ایتم و فقراء از بین برود.
 - ۸- سالک الی الله باید به مردم ولو آنکه آنها به او مهربانی نکنند، با شرح صدر برخورد کند و به آنها کمک نماید.
 - ۹- سالک الی الله با تعلیماتی که این سوره به او می‌دهد، استقامت را بفهمد و تجربه کند و همیشه در مقابل استاد و دستورات او استقامت داشته باشد.